

مقدمة لقراءة إيليا

20.3.22

لقد حقق نبي العهد القديم إيليا نصراً عظيماً. في منافسة مع كهنة إله الطبيعة بعل ، أظهر إله إسرائيل ، الذي يخدمه إيليا ، أنه الإله الوحيد الحقيقي والقوي. ولكن بعد ذلك تلاحق الملكة إيليا ، وهي من أتباع إله الطبيعة بعل. ينجو إيليا بحياته. هنا تبدأ قراءة اليوم من 1 ملوك 19 ، والتي سنقدمها في التمثيل الإيمائي. هذه القراءة هي أيضاً نص الخطبة.

مقدمه ای برخواندن ایلیا

20.3.22

ایلیا نپی در عهد عتیق پیروزی بزرگی به دست آورده است و در رقابت با کاهنان خدای طبیعت بعل، خدای اسرائیل که الیاس به او خدمت می کند، خود را تنها خدای واقعی و قدرتمند نشان داده است. اما پس از آن الیاس توسط ملکه تعقیب می شود که از پیروان خدای طبیعت بعل است. ایلیا برای جانش می گریزد. خطبه امروز از اول پادشاهان 19 آغاز می شود که در پانتومیم ارائه خواهیم کرد. این قرائت نیز متن خطبه است.

4. ثُمَّ سَارَ فِي الْبَرِّيَّةِ مَسِيرَةَ يَوْمٍ،
حَتَّى أَتَى وَجَلَسَ تَحْتَ رَتْمَةٍ وَطَلَبَ
الْمَوْتَ لِنَفْسِهِ، وَقَالَ: «قَدْ كَفَى
الْآنَ يَا رَبُّ. خَذْ نَفْسِي لِأَنِّي لَسْتُ
خَيْرًا مِنْ أَبِي».

5. وَأَضْطَجَعَ وَنَامَ تَحْتَ الرِّتْمَةِ.
وَإِذَا بِمَلَاكٍ قَدْ مَسَّهُ وَقَالَ: «قُمْ
وَكُلْ».

6. فَتَطَّلَعَ وَإِذَا كَعْكَةٌ رَضْفٌ وَكُوزٌ
مَاءٍ عِنْدَ رَأْسِهِ، فَأَكَلَ وَشَرِبَ ثُمَّ
رَجَعَ فَأَضْطَجَعَ.

4. اما خود سفری یک روزه به بیابان
کرد و رفته، زیر درخت آردجی نشست
و آرزوی مرگ کرد و گفت: «ای
خداوند، دیگر بس است! جان مرا
بگیر زیرا که از پدرانم بهتر نیستم.»

5. سپس زیر درخت آردج دراز کشید و
به خواب رفت. اینک فرشته‌ای او را
لمس کرد و بدو گفت: «برخیز و
بخور.»

6. چون نگریست، اینک کنار سرش
قرص نانی پخته بر سنگهای داغ، و
کوزه‌ای آب بود. پس خورد و نوشید و
باز دراز کشید.

7. فرشته خداوند بار دوم بازگشته، او را لمس کرد و گفت: «برخیز و بخور، زیرا سفری دراز در پیش داری.»

8. پس برخاسته، خورد و نوشید، و با نیروی آن خوراک، چهل شبانه روز راه پیمود تا به حوریب، کوه خدا رسید.

7. ثُمَّ عَادَ مَلَائِكَةُ الرَّبِّ ثَانِيَةً فَمَسَّهُ وَقَالَ: «فَمِنْ وَكُلْ، لِأَنَّ الْمَسَافَةَ كَثِيرَةً عَلَيْكَ.»

8. فَقَامَ وَأَكَلَ وَشَرِبَ، وَسَارَ بِقُوَّةِ تِلْكَ الْأَكْلَةِ أَرْبَعِينَ نَهَارًا وَأَرْبَعِينَ لَيْلَةً إِلَى جَبَلِ اللَّهِ حُورِيبَ.

9. وَدَخَلَ هُنَاكَ الْمَغَارَةَ وَبَاتَ فِيهَا. وَكَانَ كَلَامُ الرَّبِّ إِلَيْهِ يَقُولُ: «مَا لَكَ هَهُنَا يَا إِيلِيَا؟»

10. فَقَالَ: «قَدْ غَرَّتْ غَيْرَةٌ لِلرَّبِّ إِلَهَ الْجُنُودِ، لِأَنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ تَرَكُوا عَهْدَكَ، وَنَقَضُوا مَذَابِحَكَ، وَقَتَلُوا أَنْبِيَاءَكَ بِالسَّيْفِ، فَبَقِيْتُ أَنَا وَحْدِي، وَهُمْ يَطْلُبُونَ نَفْسِي لِيَأْخُذُوهَا.»

9. در آنجا به غاری درآمد و شب را به صبح رسانید. آنگاه کلام خداوند بر او نازل شده، گفت: «ایلیا، اینجا چه می‌کنی؟»

10. ایلیا پاسخ داد: «برای یهوه خدای لشکرها غیرتی عظیم دارم، زیرا بنی‌اسرائیل عهد تو را ترک کرده، مذبح‌هایت را ویران ساخته و انبیایت را به شمشیر کشته‌اند و تنها من باقی مانده‌ام، و حال قصد جان مرا نیز دارند.»

11. فَقَالَ: «أَخْرُجْ وَقِفْ عَلَى الْجَبَلِ
أَمَامَ الرَّبِّ». وَإِذَا بِالرَّبِّ عَابِرٌ وَرِيحٌ
عَظِيمَةٌ وَشَدِيدَةٌ قَدْ شَقَّتِ الْجِبَالَ
وَكَسَّرَتِ الصُّخُورَ أَمَامَ الرَّبِّ، وَلَمْ يَكُنِ
الرَّبُّ فِي الرِّيحِ. وَبَعْدَ الرِّيحِ زَلْزَلَةٌ، وَلَمْ
يَكُنِ الرَّبُّ فِي الزَّلْزَلَةِ.

12. وَبَعْدَ الزَّلْزَلَةِ نَارٌ، وَلَمْ يَكُنِ الرَّبُّ
فِي النَّارِ. وَبَعْدَ النَّارِ صَوْتُ مُنْخَفِضٌ
خَفِيفٌ.

13. فَلَمَّا سَمِعَ إِيْلِيَّا لَفًّا وَجْهَهُ بَرْدَائِهِ
وَخَرَجَ وَوَقَفَ فِي بَابِ الْمُغَارَةِ، وَإِذَا
بِصَوْتٍ إِلَيْهِ يَقُولُ: «مَا لَكَ هَهُنَا يَا
إِيْلِيَّا؟»

11. او را گفت: «بیرون برو و به حضور
خداوند بر کوه بایست.» اینک خداوند از
آنجا عبور می‌کرد. آنگاه بادی شدید و
بسیار سخت کوهها را شکافت و صخره‌ها
را به حضور خداوند خرد کرد، ولی خداوند
در باد نبود. پس از باد، زمین به لرزه
درآمد، ولی خداوند در زمین لرزه نبود.

12. پس از زمین لرزه، آتشی، ولی خداوند
در آتش نیز نبود. پس از آتش، نجوای
آرامی به گوش رسید.

13. چون ایلیا آن را شنید، روی خود را به
ردای خویش پوشانیده، بیرون رفت و بر
دهانه غار ایستاد. آنگاه ندایی به او گفت:
«ایلیا، اینجا چه می‌کنی؟»

خطبه تاريخ 20.03.2022

از كتاب پادشاهان 19

خطبة يوم في 20/3/22 عن ملوك

19: 4 - 13 أ

اعضای عزیز

عزیزى المجتمع!

1. ایلیا خسته است. پیامبر بر کاهنان بعل پیروز شده است. خدای اسرائیل ثابت کرده است که قوی است، و خدای بعل درمانده و ناتوان است. اما اکنون الیاس توسط ملکه، یکی از پیروان بعل، تعقیب می شود. ایلیا می ترسد، و برای حفظ جان خود می گریزد و خسته است. ممکن است خسته یا شکسته باشیم. خسته از هفته کاری، از کارهای خانوادگی، خسته از مشکلات و ترس ها.

1. ایلیا منك. انتصر النبي على كهنة البعل. لقد أثبت إله إسرائيل أنه قوي، إله بعل لا عظمة له ولا قوة. ولكن الآن تلاحق الملكة إيليا، من أتباع البعل. إيليا خائف ويركض للنجاة بحياته ومنهك. ربما نكون مرهقين أو محطمين. من أسبوع العمل متعب، من الأعمال المنزلية، منهكين من المشاكل والمخاوف.

2. مطمئناً بسیاری از اوکراینی ها از استرس و خستگی رنج می برند. جنگیدن با سربازان روسی، قربانیان بمب های روسی، فرار به کشوری که می توانند با خیال راحت زندگی کنند.

ایلیا در خواب است، فرشته ای او را بیدار می کند و به او نان و آب می دهد. ایلیا غذا می خورد و دوباره به خواب می رود. (اول پادشاهان ۵: ۱۹ ب. ۶) وقتی ضعیف هستیم، چیزهای ساده در زندگی نیز به ما کمک می کنند.

2. من المؤكد أن العديد من الأوكرانيين يعانون من الإجهاد والإرهاق. يقاتلون الجنود الروس، ضحايا القنابل الروسية، يفرون إلى بلد يمكنهم العيش فيه بأمان. إيليا ينام. يوقظه ملاك ويعطيه خبزاً مسطحاً وماء. يأكل إيليا ثم ينام مرة أخرى. (١ ملوك ١٩ : ٥ ب ٦) وعندما تكون ضعفاء ، تساعدنا الأشياء البسيطة في الحياة أيضاً.

3. یک ضرب المثل آلمانی می گوید «خوردن و آشامیدن جسم و روح را در کنار هم نگه می دارد». خواب (از طریق خواب است که ما بهبود می یابیم). قدم زدن در هوای تازه ذهن ما را از همه چیز دور می کند. ورزش استرس را در بدن کاهش می دهد. وقتی پر از نگرانی هستید، خوب است که کسی باشد تا به حرفهایم گوش دهد. و هنگامی که از آنچه روز برایم به ارمغان می آورد می ترسم، دعا به من آرامش می دهد.

3. "الأكل والشرب يحافظان على الجسد والروح" مثل ألماني. النوم (من خلال النوم نتعافى). المشي في الهواء الطلق يبعد عقولنا عن مشاكل. ممارسة الرياضة تقلل التوتر في الجسم. عندما أكون مليئة بالمخاوف ، من الجيد أن يكون هناك من يستمع إلي. وعندما أخاف مما سيأتي بي اليوم ، فإن الصلاة يمنحني الراحة.

4. شاید هم فرشته ای باشد، یکی از رسولان خدا، که در نهایت به من در کارهای کوچک زندگی روزمره کمک می کند. به این ترتیب من هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی قوی تر می شوم، می توانم دوباره بلند شوم و ادامه دهم.

4. ربما يكون أيضًا ملائمة ، رسول الله ، الذي يساعدهني في الأشياء الصغيرة للحياة اليومية عندما أكون في النهاية. بهذه الطريقة أصبح أقوى جسديًا وروحًا ، يمكنني النهوض مرة أخرى والمضي قدمًا.

5. ایلیا به کوه حورب می رسد و در آنجا با خدا ملاقات می کند. «و به راستی که خداوند از آنجا گذشت: ابتدا طوفان عظیمی آمد که کوهها را منهدم کرد و صخره ها را تکه تکه کرد. او جلوتر از خداوند رفت، اما خداوند در طوفان نبود. بعد از طوفان زلزله آمد. اما خداوند در زلزله نبود. بعد از زلزله آتش آمد. اما خداوند در آتش نبود.» (اول پادشاهان ۱۹: ۱۱ ج ۱۲-ب)

5. وصل ایلیا إلى جبل حوريب والتقى بالله هناك. "وبالفعل ، لقد مر الرب. فجاءت أولاً عاصفة شديدة فجرت الجبال وكسرت الصخور. لقد تقدم على الرب ، ولكن الرب لم يكن في العاصفة. بعد العاصفة حدث زلزال. لكن الرب لم يكن في الزلزال. بعد الزلزال اندلع حريق. لكن الرب لم يكن في النار." (١ ملوك ١٩: ١١ ج ١٢-ب)

6. در اینجا از نظر الیاس، خدا در طوفان، زلزله یا آتش سوزی نیست، اگرچه این شرایط آب و هوایی سخت با آمدن او همراه است. اما آیا خداوند در طوفان و زلزله و آتش زیاد همراهان نیست، حتی اگر پنهان باشد؟

در سه هفته گذشته، جنگ علیه اوکراین جهان را زیر و رو کرده است. زندگی اوکراینی ها کاملاً تغییر کرده است. ناگهان جنگ، ویرانی، مرگ و گریز رخ می دهد، اما حمایت بسیار، شجاعت و قدرت و امید بسیار نیز وجود دارد.

6. هنا في رأي إيليا ، الله ليس في عاصفة أو زلزال أو نار ، رغم أن هذه الظروف الجوية القاسية ترافق مجيئه. لكن أليس الله كثيرًا فيالعواصف والزلزلات والنار ، حتى لو كانت مخفية؟

خلال الأسابيع الثلاثة الماضية ، هزت الحرب ضد أوكرانيا العالم رأساً على عقب. لقد تغيرت حياة الأوكرانيين بالكامل. فجأة هناك حربودمار وموت وهروب ، ولكن هناك أيضاً الكثير من الدعم والكثير من الشجاعة والكثير من القوة والأمل أيضاً.

7. زندگی مردم در روسیه نیز تغییر کرد. کشوری که منزوی است و از نظر اقتصادی در سطحی پایین قرار دارد. گندم اوکراین و روسیه در شمال آفریقا گم شده است - مردم چگونه باید به اندازه کافی در آنجا غذا بخورند؟ در اروپای غربی نیز همه چیز مثل قبل نیست. ناگهان غرب کنار هم می ایستد. دفاع نظامی دوباره اهمیت پیدا می کند. قیمت انرژی در حال افزایش است. پناهندگان دوباره می آیند.

7. حياة الناس في روسيا تغيرت ايضا. البلد معزول ومنخفض اقتصاديًا. القمح من أوكرانيا وروسيا مفقود في شمال إفريقيا - كيف يفترض أن يحصل الناس على ما يكفي للاكل هناك؟ في أوروبا الغربية أيضًا، لم تعد الأمور كما كانت من قبل. فجأة يقف الغرب معًا. يصبح الدفاع العسكري مهمًا مرة أخرى. أسعار الطاقة في ارتفاع. اللاجئين يأتون مرة أخرى.

8. کمسیحی ، لا أستطيع أن أصدق أن هذه الفوضى برمتها ، هذه الفوضى بأكملها ، لا يمكن إرجاعها إلا إلى شخص واحد (بوتین) وأفكاره الغريبة وإرادته العديمة الضمير للوصول إلى السلطة. أعتقد أنه في ظل هذه العاصفة والزلازل والنار ، يعمل الله. إنه لا يقصف أو يقتل ، لكن حتى بوتین لا يمكنه فعل أي شيء بدون الله. ومن يدري إلى أين يتجه هذا ، وإلى أين يوجهه الله؟ في الوقت الحالي لا يبدو أنالديكتاتور سوف يضحك في النهاية.

8. من به عنوان یک مسیحی، نمی توانم باور کنم که تمام این آشفتگی، را فقط می توان به یک نفر (پوتین) و ایده های عجیب و غریب او و در اراده ناجوانمردانه او برای قدرت جست و جو کرد. من معتقدم که در این طوفان و زلزله و آتش، خدا در کار است. او نه بمباران می کند و نه می کشد، اما حتی پوتین هم بدون خدا نمی تواند کاری انجام دهد. و چه کسی می داند که این وضع به کجا می رسد، و خدا آن را به کجا هدایت می کند؟ در حال حاضر به نظر نمی رسد که فرد دیکتاتور در پایان خرسند باقی بماند.

9. على أية حال ، يريحني أن أؤمن بأن الله يحمل بيده أحداث العالم هذه. في حياتي المحمية والمريحة بشكل عام ، هذه هي المرة الثالثة التي لا يمكن فيها استبعاد حرب نووية. قبل 40 عامًا ، في سياق تعديل الناتو للصواريخ النووية متوسطة المدى ، أصبحت مسيحيًا واعيًا. في ذلك الوقت ، كما هو الحال الآن ، أنا مقتنع: في مواجهة التهديد النووي ، يمكن لشخص واحد فقط أن يساعد: الله القدير والرحيم ، الإلهائيليا ، رب كل العواصف.

9. در هر صورت، این باور به من آرامش می دهد که خدا نیز این حوادث جهان را در دست دارد. در کل زندگی امن و راحت من، این سومین بار است که نمی توان احتمال جنگ هسته ای را رد کرد. 40 سال پیش، در چارچوب تقویت ناتو با موشک های هسته ای میان برد، من یک مسیحی آگاه شدم. در آن زمان مانند اکنون، من متقاعد شدم که: در مواجهه با تهدید هسته ای، تنها یک نفر می تواند کمک کند: خدای قادر و بخشنده، خدای الیاس، پروردگار همه طوفان ها.

10. «بعد از آتش زمزمه آرامی آمد. وقتی ایلیا این را شنید، صورت خود را با ردای خود پوشانید.» (اول پادشاهان 12:19 ج، 13 الف)

تنها اکنون ایاس با این باد ملایم خدا را ملاقات می کند.

ما نیز در چنین بادهای ملایمی خدا را ملاقات می کنیم. نه لزوماً در چیزی ملموس و دیدنی، بلکه در چیزی شاید کوچک اما زیبا، جایی که خدا را مانند باد ملایمی بر پوست خود احساس می کنیم.

10. "بعد الحریق جاء همس رقیق. عندما سمع إيليا هذا ، غطي وجهه بردائه." (١ ملوك ١٩ : ١٢ ج ، ١٣ أ)

الآن فقط يلتقي إيليا مع الله - في هذه الريح اللطيفة. نحن أيضاً نلتقي مع الله في مثل هذه الرياح اللطيفة. ليس بالضرورة في شيء مذهب ، ولكن في شيء ربما صغير ولكنه جميل ، حيث نشعر بالله كأنه رياح نسمة على جلدنا.

11. ما تازه کارل کوچک را تعمیر دادیم. آب روی سرش ریخته شده است و این کلمه در مورد زندگی پیش روی کارل گفته شده است: «شجاع و قوی باش! و نترس زیرا خداوند در هر کاری که انجام می دهید با شماست!» (یوشع 1:9).

11. لقد قمنا للتو بتعميد كارل الصغير. نزل الماء على رأسه وتحدثت الكلمة التالية عن حياة كارل في المستقبل: "كن شجاعا وكن قويا! لا تخف. لأن الرب معك في كل ما تفعله!" (يشوع 1:9).

12. لادن، نظاهات، امین، مهین، محسن و هیرات نیز امروز غسل تعمید شدند. شما راه درازی را پیموده اید: از اولین باری که عیسی در سرزمین خود با شما صحبت کرد تا غسل تعمید امروز. اکنون شما کاملاً به عیسی تعلق دارید و می توانید با خوشحالی به راه خود ادامه دهید - همیشه با عیسی در کنار شما. خدا در باد ملایم، بسیاری در دوره پایه شرکت کرده اند و به طور کلی شما چیزهای زیادی آموخته اید، اکنون حتی بیشتر از قبل با عیسی در ارتباط هستید، ایمان مسیحی شما شاید واضح تر و تعیین کننده تر شده است.

12. لعدان ، نزهات ، أمین ، ماهین ، محسن و هیرات تم تعمیدهم أيضا اليوم. لقد قطعت شوطاً طويلاً: من المرة الأولى التي تحدث فيها يسوع إليك في وطنك إلى معمودية اليوم. أنت الآن تنتمي تمامًا إلى يسوع ويمكنك أن تستمر في طريقك بسعادة - دائماً مع يسوع بجانبك. الله في الريح اللطيفة. شارك الكثير في الدورة الأساسية. بشكل عام ، لقد تعلمت الكثير ، فأنت الآن أكثر ارتباطاً بيسوع من ذي قبل ، وربما أصبح إيمانك المسيحي أكثر وضوحاً وحسماً.

13. مریم امروز به عنوان رهبر جدید کلیسا منصوب خواهد شد. در کلیساهای آلمان، مسلماً مسیحیان مهاجر در هیئت حاکمه یک جامعه کلیسای نیستند. با اضافه شدن مریم، چهار نفر از هشت داوطلب شورای کلیسای ما اکنون اصالتاً مهاجر دارند.

13. سُنُصِبَ مَرِيْمُ كَقَائِدَةَ الْكَنِيسَةِ الْجَدِيْدَةِ الْيَوْمِ. فِي الْكِنَائِسِ الْأَلْمَانِيَّةِ ، لَيْسَ مِنْ الطَّبِيعِيِّ أَنْ يَكُونَ الْمَسِيحِيُّونَ مِنْ أَصْلٍ مَهَاجِرٍ فِي الْهَيْئَةِ الْإِدَارِيَّةِ لِمَجْتَمَعِ الْكَنِيسَةِ. مَعَ مَرِيْمَ ، أَرْبَعَةٌ مِنْ الْمَتَطَوِّعِيْنَ الثَّمَانِيَّةِ فِي مَجْلِسِ كَنِيسَتِنَا هُمْ الْآنَ مِنْ أَصُولِ مَهَاجِرَةٍ.

14. روح خدا را می بینم که در آن کار می کند، خدا را در باد ملایم. او آنچه را که پولس رسول می گوید، عملی می کند: «دیگر فرقی نمی کند یهودی باشید یا یونانی»، یعنی به کدام قوم تعلق دارید. "زیرا از طریق اتحاد شما با عیسی مسیح شما همه هستید، ما همه یکی شده ایم." (غلاطیان 3:28) خوشحالم که شما اکنون عضوی از شورای کلیسا هستید،
مریم عزیز!

14. أرى روح الله يعمل فيها ، الله في الريح اللطيفة. إنه يطبق ما يقوله الرسول بولس: "لم يعد يهم ما إذا كنتم يهودًا أو يونانيين" ، أي إلي أي شعب تنتمي. "لأنك من خلال اتحادك بيسوع المسيح أصبحنا جميعًا واحدًا." (غلاطية 3: 28 أ. ج) من الجميل أنك الآن جزء من مجلس الكنيسة ، عزيزتي
مریم!

15. خدا در باد ملایم. چند روز پیش در هنگام دعای صبح دلم پر از نگرانی است. یک جلسه دشوار با مدیر کلیسا بر سر امور مالی کلیسای مادر راه است. بعد از نماز، مثل هر صبح، شعارهای انجیلی آن روز را خواندم. «کلام خود را در دهان تو گذاشتم و تو را زیر سایه دستان خود پناه دادم.» (اشعیا 51:16).

15. الله في الريح اللطيفة. قبل أيام قليلة ، أثناء صلاة الصبح ، أنا مليء بالقلق. لقاء صعب مع دائرة الكنيسة حول الشؤون المالية للكنيسة على وشك الحدوث. بعد الصلاة ، مثل كل صباح ، أقرأ الشعارات الكتابية لهذا اليوم. "لقد جعلت كلامي في فمك و أخفيتك في ظل يدي." (إشعيا 51:16)

16. «اینک من دری را در مقابل شما گشودم که هیچ کس نمی تواند آن را ببیند، زیرا شما قوت کوچکی دارید و کلام مرا نگاه داشته اید و نام مرا انکار کرده اید.» (مکاشفه یوحنا 3:8) این چنین است صبح من که خود خدا از طریق این کلمات با من صحبت می کند. در هر صورت، این به من جرات می دهد برای روز، و جلسه دشوار پیش رو بهتر از آن چیزی خواهد بود که می ترسیدم.

16. "ها أنا قد فتحت أمامك بابًا لا يستطيع أحد أن يغلقه: لأنك قليل القوة، وقد حفظت كلامي ولم تنكر اسمي." (رؤيا يوحنا 3: 8) إن الله نفسه يكلمني من خلال هذه الكلمات. على أي حال، هذا يمنحني الشجاعة لليوم وستكون الجلسة الصعبة أفضل مما كنت أخشى.

17. خداوند با باد ملایمی روحم را نوازش می کند و در صورت نیاز مرا لمس می کند: با آیه ای از کتاب مقدس یا اتفاق زیبایی. خدا وجود دارد فرشته خدا در کارهای کوچک در زندگی روزمره کار می کند که استرس را کاهش می دهد و به من آرامش و قدرت جدیدی می بخشد. حتی در حوادث بزرگ و گاه وحشتناک دنیا نیز خداوند پنهان است. او از ما در برابر همه رنج ها محافظت نمی کند، بلکه در ذهن خود آنچه را که مردم شروع به انجام بدی می کنند در ذهن خود برمی انگیزد. خدا حضور دارد - در طوفان و در باد ملایم. ما می توانیم اعتماد کنیم، تشکر کنیم و بگوییم: خدا در همه چیز است.

آمین.

17. يداعب الله روعي بريح لطيفة
ويلمسنني عند الحاجة: بآية من الكتاب
المقدس أو بشيء جميل يحدث. الله
موجود يعمل ملاك الله في الأشياء الصغيرة
في الحياة اليومية التي تقلل التوتر
وتمنحني السلام والقوة الجديدة. وحتى
في أحداث العالم العظيمة والمروعة أحياناً
، يكون الله مخفياً. إنه لا يحمينا من كل
معاناة ، بل يحرك في ذهنه ما يبدأ الناس
به شراً. الله موجود - في العاصفة وفي
الريح اللطيفة. يمكننا أن نشكر ونشكر
ونقول: الله موجود في كل شيء ،
آمین.